

جلوه‌هایی زیبا از عشق و ایثار در پرتو همدلی خانواده شهدا

مادران شهدای مدافع حرم، مدافعان سلامت را تنها نگذاشتند



■ **احمد محمد تبریزی**

نام ایران که به میان می‌آید، قلب‌شان تندتر می‌زند و تمام وجودشان را عشق فرا می‌گیرد. آنها که روزی در میدان نبرد، عزیزترین کسان‌شان را برای دفاع از اسلام و ایران بدرقه کردند، حالا در موضوع کرونا خودشان پای کار آمده‌اند و آماده جانفشانی شده‌اند. خانواده شهدا به ویژه مادران شهدای مدافع حرم، امروز در حوزه دیگری مشغول دفاع از کشور هستند. آنها حالا در کنار مدافعان سلامت، برای شکست این بیماری می‌جنگند. این مادران جنگیدن را خوب بلدند. زندگی آنها عمری در مبارزه و جهاد گذشته و حالا با روحیه‌ای بالا پا به میدان گذاشته‌اند و با جان و دل خدمت می‌کنند. پشتیبانی این مادران شهید از مدافعان سلامت، خستگی را از تن همه در خواهد آورد و روحیه‌شان را بالا خواهد برد. آنها پا به میدان گذاشته‌اند تا رخت خستگی را از تن پرستاران و ناامیدی را از جان بیماران در آورند. «زهره تبریزی» مادر شهید مدافع حرم «علی اصغر کریمی»، مادر شهید «محمدحسین میردوستی»، مادر شهید علی آقاعبداللهی و... تعدادی از این مادران فداکار هستند که این روزها دست به کار شده‌اند و با کمک‌های خود، مایه دلگرمی مدافعان سلامت می‌شوند.

■ **عشق به میهن**

جز عشق به میهن و همنوع نمی‌توان واژه دیگری برای کار بزرگی که در طول این سال‌ها انجام داده‌اند، به کار برد. آنها قوی‌ترین مردمان این سرزمین بوده‌اند. بدون هیچ توقع و منتی هر جایی که کشور به وجودشان نیاز داشته ثابت‌قدم جلو آمده‌اند و تا آخرین لحظه خستگی ناپذیر در میدان مانده‌اند.

برای بی بردن به قدرت این مادران باید به چند سال قبل برگشت. زمانی که تروریست‌های داعشی با وحشی‌گری به دنبال خرابی و ویرانی سرزمین‌های اسلامی بودند، سربازانی از دامن همین مادران برای دفاع از کیان اسلام و ایران برخاستند و خودشان را به خط مقدم جبهه‌های مقاومت رساندند.

تروریست‌های داعشی که با پول و سلاح و هابویون تاذبه می‌شدند و در جنایت و وحشی‌گری از انجام کاری ابا نداشتند، سوری را با خاک یکسان کردند، جمعیت زیادی از مردم عراق را شام و آواره کردند و خودشان را مهیای رسیدن به آمدن به ایران و ناامن کردن فضای شهرهای کشورها می‌کردند. هدف اول و آخر آنها، بودند بارها تصاویری از خراب کردن نمادهای تهران و دیگر شهرها نشان داده بودند و به امید دستیابی به چنین آرزویی سوار بر ماشین قتل و کشتار می‌ناختند.

■ **بدرقه فرزند**

در همین دوران جوانان ایرانی داوطلب مقابله با تروریست‌ها و دفاع از حریم اهل بیت(ع) شدند. مادران ایرانی می‌دانستند گام نهان در این جبهه متلاطم، چه مخاطراتی را برای فرزندشان به همراه دارد. با این وجود، هیچ‌گاه نترسیدند و فرزندشان را از رفتن در این مسیر منصرف نکردند. پرقدتر پشت فرزندشان ایستادند و همراهی‌اش کردند. آخرین وسایل جگر گوشه‌شان را خودشان جمع کردند، عزیزشان را در اعوش کشیدند و در حالی که از زیر قرآن رزش می‌کردند با سلام و صلوات در دانه‌شان راهی یک جبهه پرخطر کردند. حتماً وقتی برای آخرین بار نگاهی به پسر

رشیدشان می‌انداختند، در دلشان هزار بار قربان صدقه جوانی و قدر رعنايشان می‌رفتند و در دل نگران می‌گفتند نکند این آخرین باری باشد که قد و بالایش را می‌بینم. حتماً در آن لحظه دلشان می‌ریزد و با خود می‌گفتند اگر بدن پسرم خراش و زخمی بردار، چه باید بکنم؟ و کمی بعد دل را قوی می‌کردند و می‌گفتند نه تنها الان اسلام و ایران به وجود پسرم نیاز دارد، بلکه مسلمانان مظلوم کشورهای دیگر دست یاری به سوی‌مان دراز کرده‌اند، پس باید او را راهی کنیم تا جلوی شر و فتنه دشمنان را بگیرند. همان‌طور که در دفاع مقدس پدر او در جبهه‌ها مقابل بعثی‌ها جنگید، حالا نوبت اوست که اجازه نهد یک بار دیگر پای دشمنی وارد خاک کشورمان شود.

زمنندگان مدافع حرم راهی شدند، طومار تروریست‌ها را در هم پیچیدند ولی خیلی‌هایشان دیگر به خانه بازنگشتند. ثابت‌هایشان روی دوش مردم در خیابان‌های شهر تشییع می‌شد و مادری با چشم گریان به غیرت و شجاعت فرزندش درود می‌فرستاد. مادر دلش تنگ نبود ولی محکم و استوار به کار بزرگ فرزندش افتخار می‌کرد. می‌دانست اگر فرزندش در این مسیر یا نداشت

بود معلوم نبود امروز چه سرنوشتی پیش روی‌مان قرار می‌گرفت. **قهرمانان وطن** حالا که چند سالی از شهادت فرزندانشان می‌گذرد پسرهایشان قهرمان مردم ایران شده‌اند و تصاویرشان در کوچه و خیابان‌ها نقش بسته است. آن‌ها زنده‌گان گمنام را حالا امروز همه با اسم کوچک می‌شناسند. خیلی‌ها از همین شهیدان در بسیاری از مراحل زندگی‌شان مدد می‌گیرند. بسیاری هنگام زیارت حرم اهل بیت(ع) و به ویژه حرم می‌شوند و عکس آنها را به کیف و لباس‌شان می‌زنند تا همواره شهید را کنار خودشان حس کنند. مزارشان محلی آرامش‌بخش برای زائران شده و شهدای مدافع حرم فرهنگ و جلوه‌ای تازه از ایثار و از خودگذشتگی را با خود آوردند.

مدتی است کشور درگیر ویروس مرمگبار کرونا شده است. مردم و جامعه پزشکی روزهای سختی را می‌گذرانند و همه دست به دست هم داده‌اند تا این بیماری مهلک را شکست دهند. در چنین روزهای مادران شهدای مدافع حرم نیز پا به میدان گذاشته‌اند تا از هر طریقی که شده به جهادگران عرصه سلامت کمک کنند. آنها می‌دانند اگر فرزندشان شهید نشده بود و در قید حیات بود، در این شرایط سخت و حساس،

وارد عمل می‌شد و هر کاری از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد. مادران شهدای مدافع حرم چند سالی هست که بعد از شهادت فرزندانشان در سوریه و عراق، راه‌های گوناگونی را برای تداوم خدمت به مردم و ایران آزموده‌اند. برای انجام فعالیت‌هایی که ادامه راه پسرهای شهیدشان باشد گردشگری را برگزار کرده‌اند و در این ایام نیز کنار یکدیگر در سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان گسرد آمده‌اند تا بسته‌های خوراکی را تهیه کرده و به کادر درمان و بیماران کرونايي بیمارستان‌ها برسانند. در این بسته‌ها عشق، ایثار و همدلی نهفته است. هر کس که این بسته‌ها به دستش برسد، می‌داند دست‌های پر مهر مادری تکتک اقلام داخل جعبه را چیده و با دقای خیر برایش فرستاده است. همین حس و حال و همین عشق به دیگری در سخت‌ترین لحظات، دست آدم را می‌گیرد و روحیه‌ای دوچندان به او می‌دهد.

در این بسته‌ها عشق، ایثار و همدلی نهفته است. هر کس که این بسته‌ها به دستش برسد، می‌داند دست‌های پر مهر مادری تکتک اقلام داخل جعبه را چیده و با دقای خیر برایش فرستاده است. همین حس و حال و همین عشق به دیگری در سخت‌ترین لحظات، دست آدم را می‌گیرد و روحیه‌ای دوچندان به او می‌دهد.



دریغ نکنیم، زحمات پرستاران و کادر درمانی را ببینیم. هر کاری از دستمان برمی‌آید انجام دهیم. اگر قرار است خیراتی انجام بدهیم برای کادر درمان باشد.»

■ **همچون روزهای جنگ**

مادران شهید زیادی دور هم جمع شده‌اند. مادر شهید علی آقاعبداللهی که پیکر پسرش هنوز مفقود است و به میهن بازنگشته در این جمع حضور دارد. پسرش در ۲۵ سالگی و درست ۳۱ روز پس از اعزام در منطقه خالدیه خان طومان به شهادت رسید.

مادر شهید حمیدرضا اسداللهی، از شهدای سرشناس مدافع حرم نیز حضور دارد. شهید اسداللهی یکی از جهادگران الململی بود و پس از شهادت مسلمانان هفت کشور دنیا شهادت‌ش را تسلیت گفتند. مادر شهید «دانیال صفری» به یکی دیگر از مادران حاضر در جمع است که یاد فرزند شهیدش را زنده می‌کند و می‌گوید: «معمولاً در کارهای جهادی شرکت داشت و چون آموزش‌های بهیاری دیده بود اگر الان حضور داشت قطعاً یکی از افرادی بود که در بیمارستان‌ها

■ **پشتیبانی مادران شهید**

مادران شهدای مدافع حرم با اشتیاق و در پس‌زمینه زرمزه دعای فرج، تصاویر فرزندان شهیدشان را در بسته‌های بهداشتی مبارزه با بیماری کرونا می‌گذارند که پیام ناتواست‌های به مدافعان سلامت برسانند. اینکه «روزی فرزندان ما با فدا کردن جان خود مدافعان این سرزمین لقب گرفتند و امروز که شما پرستاران و پزشکان و کادر درمانی در خط مقدم مبارزه با بیماری قرار دارید، در حال جهادی همچون جهاد فرزندان ما هستید.» آن طرف‌تر قاب عکس‌های شهدا نظاره‌گر دست‌های مهربان مادران شهیداست که توشه راه مدافعان سلامت را آماده می‌کند.

«زهره تبریزی» مادر شهید مدافع حرم «علی اصغر کریمی» و دختر شهید دفاع مقدس همان‌طور که سپه‌ها را در دستش با دستمال پاک می‌کند، درباره فعالیت‌های این روزهایشان می‌گوید: «امروز به نیت شادی روح فرزند شهیدم اینجا هستم تا کوچک‌ترین کاری برای رفع خستگی کادر درمان کرده باشم و خیر این کار به روح شهدا برسد. یادش به خیر، امروز این حضور خاتم‌ها مرا یاد روزهای دفاع مقدس انداخت که با خواهران و برادرانم برای بسته‌بندی مواد غذایی و تهیه لباس هر کاری از دستمان برمی‌آمد، انجام می‌دادیم. علی‌الغیر اگر بود رس و دست می‌شکست تا کاری انجام دهد. پادم‌هست ساختمان پلاسکو که آتش گرفت خیلی بی‌قراری شد، تمام تلاشش را کرد تا بتواند کمکی کند. رفته بود نزدیک ساختمان، اما اجازه کار ندادند. می‌گفت حاضرم جانم را از دست بدهم تا چند نفر از همنوعانم را نجات دهم. خودمان کمک کنیم که ویروس منتقل نشود. دوم اینکه اگر کمکی جایی نیاز هست



گزارش

باز بسیج و باز خدمتی دیگر

می‌گوید کرونا کار و کاسبی‌اش را کساد کرده است. از او می‌پرسم نظرش در خصوص کار این سه بسیجی نوجوان چیست؟ می‌گوید: یک عده آدم فقط بلد هستند با دید طنز به همه چیز نگاه کنند و گر نه این‌چهار کار خوبی انجام می‌دهند. به هر حال یک نفر باید پیشقدم شود و به دیگران کمک کند. بسیجی‌ها هم همین کار را می‌کنند. شاید کارشان خیلی وسیع نباشد اما یک باری را از دوش دیگران برمی‌دارند.

■ **۲ میلیون بسیجی**

اما آن‌طور که این شهرپند تصور می‌کند، عملکرد بسیج محدود به این دو، سه نوجوان بسیجی و یک یا دو پایگاه نمی‌شود. آن‌طور که در اخبار آمده‌است، حدود ۲ میلیون بسیجی در سراسر کشور در قالب رزمایش کمک مؤمنانه و مقابله با بیماری کرونا، مشغول کمک‌رسانی به مردم و مبارزه با این بیماری هستند. هر چه در سطح شهر بیشتر می‌گردیم، به جلوه‌های بیشتری از همیاری بسیجی‌ها بر می‌خوریم. مساجد جامع ابوذر، صاحب‌الزمان (عج) و امام موسی کاظم(ع) از مساجد فعال در منطقه ۱۷ تهران هستند که سری به آنها می‌زنیم تا بارزید فعالیت‌های‌شان بیشتر آشنا شویم. در

■ **نوجوان‌های خجالتی**

چند دقیقه‌ای بیشتر به غروب آفتاب مانده که از متروی ایستگاه زمزم خارج می‌شوم. عصر جمعه است و مترو خلوت است. بیرون، جایی که مسافرها از هم جدا می‌شوند و هر کدام به طرفی می‌روند، دو، سه جوان کم سن و سال را می‌بینم که ماسک به صورت زده‌اند و یکی از آنها یک دستگاہ سم‌پاش روی دوشش دارد.



این مساجد تقریباً به صورت منظم و مرتب، مواد پاک‌کننده سلوچ و دستس، به صورت مجانی در اختیار مردم قرار می‌گیرد. یکی از اهالی که به مسجد صاحب‌الزمان(عج) مراجعه کرده می‌گوید: داروخانه و جاهای دیگر، مواد ضدعفونی‌کننده را با قیمت تقریباً بالایی به مردم می‌فروشند. در این منطفه‌ای که ما هستیم، اغلب مردم از قشر متوسط و به پایین هستند و خیلی‌ها توانایی خرید اقلام بهداشتی را ندارند. به همین خاطر عملکرد بسیج با در اختیار گذاشتن این اقلام به مردم، بسیار قابل تقدیر است.

■ **شيوه‌های سنتی**

به گفته اکبر مقدمر مانده پایگاه شهید عبدالهادی، نکته‌ای که در خصوص بسیج جلوه خاصی دارد، بهره‌گیری از آن شیوه‌های سنتی و البته کارآمد برای کمک‌رسانی به مردم است. از آنجایی که پایگاه‌های بسیج در دل محلات و کوچه پس‌کوچه‌ها قرار دارند، دسترسی عموم مردم به کمک‌های ارائه شده بسیج آسان‌تر از دیگر نهادها است. همین‌طور بسیجی‌ها از نزدیک با خانواده‌های محروم آشنا هستند و می‌توانند کمک‌ها را به اهل‌شان برسانند. رجوع مردم به مسجد به عنوان یک پایگاه سنتی، حرکت بسیجی‌ها در سطح کوچه‌ها و در اختیار گذاشتن خانه به‌خانه اقلام بهداشتی و اعتماد مردم به بسیج و مساجد... از جمله محسّنات کار بسیج در مبارزه با کرونا است که به جرئت می‌توان گفت هیچ نهاد رسمی یا غیررسمی در کشور نمی‌تواند جایگزین آن شود.

یکی از اهالی می‌گوید: دار و خانه و جاهای دیگر، مواد ضدعفونی‌کننده را با قیمت تقریباً بالایی به مردم می‌فروشند. در این منطقه‌ای که ما هستیم، اغلب مردم از قشر متوسط و به پایین هستند و خیلی‌ها توانایی خرید اقلام بهداشتی را ندارند. به همین خاطر عملکرد بسیج با در اختیار گذاشتن این اقلام به مردم، بسیج قابل تقدیر است.

هرچند ماسک زده‌اند اما از نوع لباس‌های‌شان می‌توان فهمید که بسیجی هستند. سن و سال کمی دارند و انگار خجالت می‌کشند. سعی می‌کنند بدون اینکه به اتفاق‌ها و نگاه‌های اطراف‌شان توجه کنند، مشغول گندزدایی محیط پیرامون شوند. جلو می‌روم و با آنها مشغول صحبت می‌شوم. از جبهه‌های بسیجی یکی از مساجد حرم خط آهن تهران - اهواز هستند. می‌پرسم چرا خجالت می‌کشید؟ می‌خندند و گتمان می‌کنند. اما یکی از آنها که سعید نام دارد می‌گوید: بعضی از مردم گاهی تکه برانی می‌کنند که برادرها با الکل آشتی کرده‌اند و حالا دارند با الکل کار می‌کنند. این حرف‌ها باعث خجالت‌مان می‌شود. برای سالی از مهرشان پیام‌های مهمی را به بیماران می‌رسانند، اینکه هیچ‌گاه ناامید نشوند و عشق به خدا و اهل بیت(ع) را از دل نبرند.

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

■ **پاسخ جدول شماره ۵۹۰۵**

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ا	ب	ز	و	ن	ب	و	ن	ب	و	ن	ب	و	ن
۲	س	م	ر	ی	د	ی	د	ی	د	ی	د	ی	د	ی
۳	ش	و	ت	د	ا	د	ا	د	ا	د	ا	د	ا	د
۴	ل	ا	ف	ب	ا	ب	ا	ب	ا	ب	ا	ب	ا	ب
۵	ب	ف	ر	ا	ن	ک	م	و	ل	و	ل	و	ل	و
۶	ت	ا	ف	ر	ا	ن	ک	م	و	ل	و	ل	و	ل
۷	ا	ر	س	م	و	ل	و	ل	و	ل	و	ل	و	ل
۸	ا	ب	ز	و	ن	ب	و	ن	ب	و	ن	ب	و	ن
۹	د	ل	ا	ف	ب	ا	ب	ا	ب	ا	ب	ا	ب	ا
۱۰	ب	ف	ر	ا	ن	ک	م	و	ل	و	ل	و	ل	و
۱۱	ت	ا	ف	ر	ا	ن	ک	م	و	ل	و	ل	و	ل
۱۲	س	م	ر	ی	د	ی	د	ی	د	ی	د	ی	د	ی
۱۳	ش	و	ت	د	ا	د	ا	د	ا	د	ا	د	ا	د
۱۴	ل	ا	ف	ب	ا	ب	ا	ب	ا	ب	ا	ب	ا	ب
۱۵	ب	ف	ر	ا	ن	ک	م	و	ل	و	ل	و	ل	و

■ **از راست به چپ**

- ۱- از خودبیگانگی - خودداری کردن ■ ۲- حشره پر کار - وسیله غذاخوری - صدمتر مربع - میانه دریا
- ۳- خار سر دیوار - دانا و آگاه - از هفت‌سین‌ها - شلوار جین ■ ۴- واحد طول فرنگی - رود آراز - بی نظیر در نوع خود
- ۵- خودخواهی و غرور - پشم نرم - رطب ■ ۶- منفورترین حلال‌ها - سنگ زیرین آسپای در کشتکش دهر - بغل - چین و شکن ■ ۷- ریسمان - صدای کافی - رشته‌کوه افغانستان - سطح دست ■ ۸- با بی پروایی به کاری پرداختن
- ۹- کاغذ روزنامه - خودروی باربری کوچک - قطعی برای کاغذ - از شبکه‌های رادیویی ■ ۱۰- جنگ‌افزار ورزشی - رمق آخر - پشت سر - از سازهای موسیقی ■ ۱۱- کرگدن - ورزش خشکی و دریا - جانوری آبی که هرگز نمی‌میرد ■ ۱۲- مرتجع لائستیکی - قعر جنم - اسب بارکش ■ ۱۳- خاموش فرنگی - صغنی خوشبو - طاقی مشهور از دوره ساسانیان - سخن صریح ■ ۱۴- از گناهان کبیره - خیس - سردار - واحد شمارش گردو ■ ۱۵- رواندا - گردن - واسطه حل اختلاف شدن

■ **از بالا به پایین**

- ۱- جانور تک‌سولوی - شادابی - دیگری ندارد ■ ۲- بادام - ناسیونال - مو طلایی - خجسته ■ ۳- مساوی - درخور - قاصد - اندک ■ ۴- نارسانا - خدای درویش - ظرف سسقا ■ ۵- کمینه - هادی الکتریسته - بدبو ■ ۶- گدا - تنگه بین جزیره سیمسیل و خاک اصلی ایتالیا - گردش کود کانه ■ ۷- سنگ سبزی قیمتی - یخشدگی - زبانه آتش ■ ۸- نیم‌صدای سگ - نیاز صفا ناوا - میدانی در تهران - حرف انتخاب ■ ۹- اضافه بار - پایتخت سامانیان - ناف بر زندگی ■ ۱۰- از نام‌های انسان در قرآن - صدنشین لایگای اسپانیایی - سمت چپ ■ ۱۱- ارزش و قیمت - فکرنان کن که ... آب است - محله سیاهان نیویورک ■ ۱۲- جوبه اعدام - نام آذربایجانی - از خودروهای وطن ■ ۱۳- پل چوبی - زهر آلود - شتر مرغ آمریکایی - از نتها ■ ۱۴- زمان مرگ - میدانی قدیمی در تهران - پشم شتر - برکت سفره ■ ۱۵- نوعی بیماری پوستی - آسمان‌ها - محل خواندن نمازهای اعیاد اسلامی

۷	۴	۶			
		۹			۶
				۳	
		۳	۲	۹	
		۲	۶	۵	
			۱	۳	۵
		۹		۷	
				۲	۵
			۴		۹

ب	ا	۷	د	ا	۸	ا	س
د	ا	س	ا	ب	۷	ا	۷
ا	۷	ا	ا	س	ا	د	۷
ا	ا	۷	ا	س	ا	د	۷
ا	ا	۷	ا	س	ا	د	۷
ا	ا	۷	ا	س	ا	د	۷
ا	ا	۷	ا	س	ا	د	۷
ا	ا	۷	ا	س	ا	د	۷
ا	ا	۷	ا	س	ا	د	۷
ا	ا	۷	ا	س	ا	د	۷

جدول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵